



الدَّرْسُ السَّادِسُ عَشْرُ

الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ

﴿فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُْمَانٌ﴾ (الرَّحْمَنُ/٦٨)

المُعْجَم: واژه‌نامه (١٤ کلمه)

سَمَحَ لِ: اجازه داد به

مُسَاعَدَةً: کمک

مَمْلُوءَةٌ بِ: پر از

بِ: به وسیله، با

بَدَأَ بِ: شروع کرد به

جَمَعَ: جمع کرد

جَمَعْتُمَا: جمع کردید «مثنی»

حَارٌّ: گرم ≠ بارِد

زَوْجَةٌ: همسر

أَخَوَات: خواهران «جمع أخت»

أَخْوَان: دو برادر

إِخْوَةٌ: برادران «جمع أخ»

أَكْبَرُ: بزرگ‌تر

أَيُّهَا: ای «برای مذکر»

أَيُّهَا: ای «برای مؤنث»



کتاب درسی ۱۲۵ صفحه

فعل ماضی (۴)



أَأَنْتُمْ بَدَأْتُمْ بِالْمُسَابَقَةِ؟
آیا شما مسابقه را شروع کردید؟

أَأَنْتُمْ عَرَفْتُمْ جَوَابَ سُؤَالِي.
شما جواب سؤال من را دانستید.



أَأَنْتُمْ جَمَعْتُمْ كُتُبَ الْمَكْتَبَةِ؟
آیا شما کتابهای کتابخانه را جمع کردید؟

أَأَنْتَنْ سَمِعْتَنْ كَلَامِي بِدِقَّةٍ؟
آیا شما به حرف من به دقت گوش دادید؟

الأسرة الناجحة

صفحة كتاب درسی ۱۲۶

السيد زارعي فلاح و زوجته فلاحه. اماى زارعي مشاورات و همسر مشاورات

هما ساكنان مع اولادهما في قرية. ان صا بافرزندان در روستاى ساكن هستند.

عارف اكبر من الاخوين و سميته اكبر من الاختين. عارف بزرگتر از دو برادر و سميته بزرگتر از دو خواهر است.

هم أسرة ناجحة. آنها خانوادى موفق هستند.

بيتهم نظيف و بستانهم مملوء باشجار البرتقال و العنب و الرمان و التفاح.

خانه شان تميز و باغبان پر از درختان پرتقال و انگور و ناروس است.

حوار بين الوالد و الاولاد

نمکھو بين پيرو و سرھا



انت

الوالد: أين ذهبت يا عارف؟

پدر: ای عارف کجا رفتی؟

انما

الوالد: كيف رجعتما يا صادق و يا حامد؟

پدر: ای صادق و ای حامد چگونه برگشتید؟ برادران: با خودرو.

انتم

الوالد: لماذا ذهبتُم ايها الاولاد؟

الاخوة: لمساعدة جدنا.

پدر: ای سرھا چرا رفتید؟ برادران: برای کمک به پدر بزرگمان.
 (مفرد: اخ)
 (جمع: اخوان)

حوار بين الوالدة و البنات
لفلوس ما مادرو صهران



أَلْوَالِدَةُ: أَيْنَ ذَهَبْتِ يَا سُمَيَّةُ؟

مادر: ای سهر کجا رفتی؟

سُمَيَّةُ: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ مَعَ شَيْمَاءَ وَ نَرْجِسَ.

سهر: به خانه پدربزرگ و مادربزرگ با شیماء و نرجس.

أَلْوَالِدَةُ: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا شَيْمَاءُ وَ يَا نَرْجِسُ؟

مادر: ای شیماء و نرجس چه خبر است؟

الأختان: بِالسَّيَّارَةِ.

خواهران: با خودرو.

أَلْوَالِدَةُ: لِمَاذَا ذَهَبْتِنِ أَيْتُهَا الْبَنَاتُ؟

مادر: ای دختران چرا رفتید؟

الأخوات: لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِنَا.

خواهران: برای کمک به مادربزرگمان.

التمرين



التَّمْرِينُ الأوَّلُ

صفحة كتاب درسي ۱۲۹

با توجه به متن درس، جمله‌های صحیح و غلط را معلوم کنید.

- ① عَدَدُ الأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ خَمْسَةٌ. غلط صحیح
- ② أَلْسَيِّدُ زَارِعِي مُدْرَسُ العُلُومِ. غلط صحیح
- ③ أشجارُ الرُّمَّانِ فِي بُسْتَانِ السَّيِّدِ زَارِعِي. غلط صحیح
- ④ كَانَ الحِوَارُ الأوَّلُ بَيْنَ الوَالِدَةِ وَ الْبَنَاتِ. غلط صحیح
- ⑤ كَانَ هَدَفُ الأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ مُسَاعَدَةَ الجَدِّ وَ الجَدَّةِ. غلط صحیح

هدف پسرها و دخترها کمک به پدربزرگ و مادربزرگ بود.

همچنین لفظی اول میان مادر و دختران بود.

التَّوْبِينُ الثَّانِي

صفحة کتاب درسی ۱۲۹

جمله های زیر را ترجمه کنید، سپس زیر فعل های ماضی خط بکشید.

۱) يَا بِنْتَانِ، كَيْفَ قَرَأْتُمَا دَرَسَكُمَا؟ ای دختران چگونه درس خواندید؟

۲) يَا أَسْتَاذُ، هَلْ سَمَّحْتَ لِي بِالْكَلَامِ؟ ای استاد آیا به من اجازه حرف زدن دادی؟

۳) أَيُّهَا السَّيِّدَاتُ، أَسَمِعْتُنَّ صَوْتَ أَطْفَالِكُنَّ؟ ای خانم ها آیا صدای کودکان شما را شنیدید؟

۴) أَيُّهَا الطُّلَّابُ، لِمَاذَا فَتَحْتُمُ أَبْوَابَ الصُّفُوفِ؟ - لِأَنَّ الْجَوَّ حَارٌّ.

ای دانش آموزان طردرهای کلاس ها را باز کردید؟ زیرا هوا گرم است.

التَّوْبِينُ الثَّلَاثُ

صفحة کتاب درسی ۱۳۰

ترجمه کنید.

قَرَأْتُمْ: خواندید	←	هُوَ مَا قَرَأَ:	او خواند
بَدَأْتُ: شروع کردم	←	أَنْتُنَّ بَدَأْتُنَّ:	شما شروع کردید
سَمِعْنَا: شنیدیم	←	أَنْتُمَا سَمِعْتُمَا:	شما شنیدید
وَصَلْتُمْ: رسیدید	←	أَنْتُمْ مَا وَصَلْتُمْ:	شما رسیدید
سَمَّحَ: اجازه داد	←	أَنْتُنَّ سَمَّحْتُنَّ:	شما اجازه دادید
قَطَعْتَ: بریدی	←	أَنْتُمَا مَا قَطَعْتُمَا:	شما بریدید

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- | | | | |
|--------------------------------------|---|-------------------|---|
| معلم بهمن اجازه خروج از کلاس را داد. | لي بِالْخُرُوجِ مِنَ الصَّفِّ. | هي الْمُعَلِّمَةُ | ① |
| من و دوستم در مسابقه موفق شدیم. | هي سَمَحَتْ فِي الْمُسَابَقَةِ. | هو سَمَحَ | ② |
| ای خواهر من آیا احساس افتخار کردی؟ | نحن نَجَحْنَا بِالِافْتِخَارِ؟ | أنا نَجَحْتُ | ③ |
| او از موقعیت دوستی سادد. | أَسْمَ شَعَرْتُمْ مِنْ نَجَاحِ صَدِيقِهِ. | أنتما شَعَرْتُمَا | ④ |
| ای دوستان چه چیزی ساعدید؟ | هي فَرِحَتْ ؟ | هو فَرِحَ | ⑤ |
| مادر حمدیفت: من منتظر هستم. | أَسْنِ صَنَعْتُنَّ | صَنَعْتُمْ | ⑥ |
| | مُنْتَظَرَةٌ | مُنْتَظَرٌ | |